

# حفريات کوتل خير خانه

ترجمه محمد نبی خان

پیوسته به گذشته

بنای ملحقه که شرق دسته ساختمان نقشه (I) صفحه ۱۲ شماره ۴ است و از حفريات مسيو کرل تفصیلات مزبوره را جمع بان کشف شده خیلی دلچسپ معلوم نیشود پیش برآمدگی کوچک دیوار همارت دیالات می که در آنجا در سطح هموار فرخ موضع بندی برای تقدیم قربانی ها احداث شده بود . در نو امبر ۱۹۳۴ قرار شد ایت من حفريات اصولی کرده شده که در اثر آن پلان عجیب و همواری کشف گردید ( شکل مقابل صفحه ۱۲ - ۴ شماره ۴ ) ازان استنباط می گردد که در آنجا دیواری ساخته شده که عوض گچ در آن گل بمصرف رسید . . بلندی او سطاین دیوار ( ۵۰ ) اوم و طوالتش در بین ۷۰ و ۸۰ اوم می باشد . پلان این دیوار مدور بود و قطرش  $29 \text{ Kc J}$  متر می باشد همواری کمی در  $L M$  هویدا می گردد ( و نقطه  $L$  موضع الحاق آنرا با سمت جنوبی قربانگیا نشان میدهد . منظر طرف راست آن بایک مدخل ارتباط دارد . ساختمان بزرگ ۵ که



فادرغ التحصيلان دسه دوم مکتب طیبی با هیئت تعلیمی متعلق شماره ۷ سال ۶ - آینه



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

شکل قر بانگام است (شکل مقابل صفحه ۱۲ شماره ۴) بصورت چها رضاعی بوده و سمت غربی آن کمی قوسی می باشد. ستون شیبستی که با حتماً زیاد روی طبقه کج گذاشته شده هنوز در سمت جنوب موجود است. در اثر حفریات مختصری که در وسط قسمت بالائی عمارت کرده شد طبقات هموار خاک‌ترهای سفید و خاک مخلوط بچاکتر ذغال برآمد که غالباً بقایای استخوانهای انسان بوده و مشتمل بر استخوانهای جمجمه، استخوانهای قصبه کبری و استخوانهای ران می باشد. بانجام های سمت مشرقی قر بانگام مرکزی دوبنای بزرگ Q P عموداً است. است که پلان مستطیلی آن بسمت شمال و جنوب امتداد داده شده. این امتداد بطرف شمال عمارت جدا گانه Q بوده که شاید بدستکاری پسا نتر ارتباط داشته باشد و پلان عجیب این ملحقه و غربا بت آن در حدود افغانستان مارا مجبور کرد که از اظهار تفصیلات آن خود داری بکنیم. همچنین جرأت نکردیم که محوطه را بمقاصد آداب مذهبی نسبت بدھیم ولی باین فکر رسیدیم که یقیناً اینجا موقع ملاقات فدائیان بوده باشد. در حالی که شبهه حجزه بار یک دارای مجسمه معبودها می باشد نشان میدهد که عزتگاه مخصوص بوده که اقامت آن صرف برای کاهنین و یا بعض اشخاص که امتیاز خاص میداشتند میسر شده می توانست.

خانهای مستطیلی که بواسطه عمارت که دارای سقف هموار است احاطه شده و مطلب پریدکسنا (Pradaksina) رسوم مذهبی را ایفا می نماید نظر به ساخت و وضعیت آن مارا و ادار می سازد که یقین کنیم که در صنعت معماری نظیر آن بسی دیگر ابنیه تعمیر یافته مثلاً یک کابای خور دیکه به سایوا (Siva) وقف بوده در جنوری ۱۹۲۰ نزدیک قریه بهوسرا (Bhemara) در ضلع نیگاد (Nagod) که ۱۵۰ کیلو متر بجنوب مغرب



اله باد واقع است مکشوف گردیده مقایسه نمائیم . معبد کو چکیکه که بقرار نظریه  
مستر آردی بیزجی به قرن پنجم بعد از میلاد و حسب نظر به سرجان مارشال به قرن  
هفتم متعلق است خصوصیت معماری فن انشاء برهمنی را در سبک و طرز کویته نشان  
می دهد . مستر بینرجی معبد بهومرا را عیناً به معبد پاروتی ( Parvati ) که در ناچنا کویتهارا  
Nachnakuthara به ضلع ( Ajaygadh ) تقریباً شصت کیلومتر به شمال مغرب بهومرا  
است مشابهت می دهد - فرقیکه در معبد ناچنا کویتهارا و بهومرا موجود است اینست  
که معبد اول دارای طبقه بلند تر و معبد دوم دارای دو زیارتگاه منقش خور دیست که  
بهر دو جانب زرد بانیکه به صفت می رود واقع می باشد .

در هر دو عمارت گر بگرا ( Garbhagha ) موضع ایفای رسومات ، درین اطاق  
بزرگ محاط است و موضعیکه بین دیوارهای خارجی و داخلی محصور است پیرید کسنا  
( Paradaksina Patha ) محل اجرای رسوم مذهبی را بنامش می دهد . اگر حد و  
اشکال هر سه معبد مذکور که عبارت از ناچنا کویتهارا - بهومرا - خیرخانه کابل  
است مقابلتاً ارائه کنیم خالی از فایده نخواهد بود حد و دیکه راجع به بنای تاریخی  
کابل نشان داده شده تنها از یک حجره کویته است .

	محیط خارجی	محیط داخلی
ناچنا کویتهارا	۷۵ ر ۴	۴۵ و ۲ متر
بهومرا	۶۵ ر ۴	۴۵ ر ۲
خیرخانه	۴۰ ر ۵	۶۵ ر ۲

مقابله فوق را بدیگر معابد کویته دوام داد . می توانیم البته در محیط مکشوفه به

نسبت مقایسه مذکور تفاوت قابل ذکری خواهم یافت - قبلاً ذکر کردیم که ، صرف حجره کوچک را در مقابله قرار دادیم لاکن مادر ضمن مقابله راجع به صومعه و سه زیارت گاه آن که در هندوستان غیر مشهور نماند یاد داشت خوبی گرفته می توانیم . مستر آر ، دی بینرجی در باب کنیسه بهومرا را پورت داد . در شروع را پورت راجع به يك معبد گوپته ( که دارای سه زیارت است ) که جدید در ضلع جاسو Jasso به دیوگونه ( Deoguna ) که از بهومرا چندان دور نیست کشف شده . تشریحات داد . مقایسه بین خیرخانه و بهومرا صرف از نقطه نظر تعمیراتی محدود نیست بلکه صورت ترسیم شمایل آن بها مساعدت می کند که بعد از آنکه اسباب دستیاب شده خیرخانه تفصیلاً امتحان کنیم راجع به دیگر روابط آن بحث نمائی بکنیم .

مجسمات که از سنگ مرمر سفید ساخته شده و رب النوع آفتابی و صاحبان او را تصویر میکنند رب النوع بوضع اوروپائی در حالیکه پاهای آن از یکدیگر مباعدت دارد نشسته است بازوهای پیشین او برانش گذاشته شده . دستهای از بندشکسته است اگر کسی پایها و رانهای را باتنه و سر آن مقابله کند آن را در جاست خورد ر می باید سر تنها حصه پنجم جسم را نشان میدهد این تناسب ( قانون پالکثوس <sup>ششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> و قانون لیدوس ) راجع به آن مجسمه که سابقاً در هند در عمارات عجیب پیتاوه ( حفريات ۱۹۲۰ ) مشاهده شده یافته می شود قیافه هیکل مذکور تفصیلات عجیب ( شکل ۶ مقابل صفحه ۴۴ شماره ۶ ) را نشان می دهد - برجسته گی محراب چشم آن و میلان غیر طبیعی آن در حصه پشت و عقب رفته پیشانی يك شکل مثلثاتی را نمایش می دهد - چشمها از یکدیگر دور و با ای شکل اند - بینی آن کمی خمیده ، دهن کلان و خوش شکل ، زنیخ مربع و کمی برجسته است موی دراز و در حصه وسط از هم

تفریق شده و بصورت پیچ های کوتاه مراتب و ذریعه شانه منظم شده است. گیسوهای افتاده آن قسمت اعظم گوش هارا پنهان کرده که او بختگی آن در حالیکه بازیورات مزین است بخوبی معاینه می گردد تا جیکه بر آن نصب است بواسطهٔ یک رشته که قسمت آن از جواهرات بزرگ مستطیل الشكل تزئین یافته و بذریعهٔ سیم باریک فلزی از یکدیگر جدا شده بهردو طرف سر آن از جائیکه جواهرات ختم شده یک رشته بصورت دو عقده های ضخیم یافته شده و در عقب سر آن بصورت رشتهٔ واحدی ترتیب گردیده و باز دو انجا بهای آن باهم بافت شده تموج و خمیدگی در آن کرده شده عموداً به عقب سر انداخته شده است -

تاج مکمل از جواهرات به شکل مثلثاتی ترکیب یافته که دارای گل های نیم باز و پنج کابریک است یک زیور قوسی پراز مروارید تمام موادیکه تاج را تشکیل نموده احاطه کرده تنه قوی آن از قبای که پیش نداشته و گردن آن باز است ملبس گردیده. قسمت زیاد قبا از دستمال های که بر دست های رب النوع او یزان است پوشیده شده هر کس کنار قبا را که شامل سلسلهٔ مرواریدها است دیده می تواند در حقیقت قطع قبا و لباس رسمی مصفا جهان یک نوع است مد و ریت حصه زیرین آن خصوصیت عادات آنها را نشان می دهد - زیور ات آن شامل گردن بندی است که دارای مرواریدهای بزرگ است که در تحت گردن بند مذکور یک گردن بند دوزنجیرهٔ دیگر ملحق است که به آن یک اثر عتیقه مربوط است - جواهرهای بزرگ مستطیل مانند بر جای بماند آن نهاده و عموداً بر یک رشته پیچ دار نصب شده سلیک های مروارید بهردو طرف جواهرات ترتیب یافته و سلسلهٔ مرواریدها که کنارهای آستین قبا و کنارهٔ کمره های سنگین دست او را تزئین داده زینت پر تجمل مجسمه مذکور را مکمل



می سازد - کمر بندیکه مرصع با جواهرات است پایان کمر آن نصب و انجام های آن بصورت يك كودی بوده داخل يك حلقه شده که در حصهٔ پیش باز و معلوم دار بوده بار کنار قبا را می پوشاند - بوت های آنرا بوت های امروزه اوز بك ها و ترك های آسیای وسطی بخاطر می دهد - بوت که از چرم نرم ساخته شده تلی نداشته با پاپوش استمال می شود که پاپوش آنرا هر کس لازم است قبل از داخل شدن در اطاق ما بینی از پا خارج کند . بوت های مجسمه بندریهٔ يك رشته که بيك سگک مربوط گردیده به پای محکم شده اند و انجام های رشته مذکور بهر دو طرف پزارها رسیده است بخاطر باید داشت که يك سلك مروراید قسمت علیای بوت را احاطه نموده و عموداً تقسیم پیش روی بوت که به ساق مربوط است وسعت یافته و تا به اخیر کنارهای بوت های مذکور تمدید یافته دو نفر صاحب ( شکل ۵ مقابل صفحه ۴ شماره ۶ سال ۶ ) بوضعیت عجیب استاده است و قسمت سفلی بدن شان از اثر میلان وضعیت آنها تا بداریت پیدا کرده که یکی از مصاحبان بطرف راست و دیگری بطرف چپ مایل گردیده مثلیکه وظیفهٔ عبادت را ایفا می نمایند - وزن جسم بر پایها چنان سنگینی می اندازد که مجسمه ها خصوصاً از آن روزگار بزرگ آن وضعیت انحار را زیاده تر اختیار کرده - در اینجا مناسب است که اوضاع عجیب مصاحبان را مقابلاً شرح دهیم :-

مصاحب طرف راست دار ای موی غلوریش مشبك است که بخاطر ما خادات و خصائص گند هارا ( Gandhara ) می آورد نیز بربری های آسیای مرکزی دارای همانقسم ریش و بوت اند در آسیای مرکزی که ریش های شبک دار بصورت زینت استمال می شود از وضعیت ریش های همان زمان گرفته شده ( در باب اینکه ماخذ وضعیت ریش مذکور از مغرب بوده مسلم است ) بینی آن خمیده است چشم های آنها



کلان اما به نسبت چشم رب النوع خورد تر است. گوش و ارهای مدور آن از مرواریدها موشح گردیده. مجسمه، يك عرقچین با گوشوارهای که يك تکمه بر بالای آن نصب است می باشد. قبای آن نظر به قطع و مروارید منسلکه آن مشابه به قبای رب النوع است برشانهای آن يك عباى سى بوده که کنارهای آن ذریعۀ يك حلقه منصوبه به سینه داشته شده. ساعدین آن بلند و دست راست که انگشتهایش باهم جمع و يك قسم تکمه را تا بالای شانۀ برداشته که حصه زیرین ساعد مقابل کف دیده می شود دست چپ بر سینه جمع و يك شاخ و برگ مستطیل الشكل را برداشته. تمثال مذکور يك عرقچین و بوت ها را بدون زیور در بر کرده.

مصاحب طرف چپ بی ریش و موی آن کمی مجعد است که موی رب النوع را بخاطر مایمی آورد. سر پوش آن يك قسم کلاه، پوک دار بی لب است که ملحق با گوشوارهای که مزین با دو گل است می باشد. البته آن مثل البته، صاحب طرف راست است. مازوی چپ مجسمه بر يك سپر که سر آن مدور بوده و مثل تختۀ بازی مربع دار تزئین یافته نهاده شده. در دست راست خود يك نیزه که بر آن انجام آهنگی آن يك حلیه مدور نصب و بواسطه رشته پراز شاخ و برگ مزین گردیده گرفته.

سه مجسمه بر مذکورى يك طاقچه که با سه بند مزین و از یکدیگر بواسطه دو فضاها جدا شده اند نسبتاً اند طاقچه مذکور در وسط قوسی و دارای قدری حفره (طول ۰.۴، عمق ۰.۱) میباشد، در حفره مذکور سربك شخص که چهره اش صفا و بی موی و دارای دستاری خوبی است نهاده شده. لیم تنه برهنه سر مذکور در پیش روی عرابه بصورت يك فیشن عجیب کند شده و بقسم بر جسته معلوم می شود. شکل مذکور يك قمچین

را محکم گرفته تاب میدهد و در دست چپ قیژه که جلوگیری دواسپ را می نماید و ضاحتاً در نقشه بطرف دیگر بر آمده تصویر داده شده البته ملاحظه شده می تواند که سر و پایهای پیش اسپها بطرف کنار نبای تا ریخی برده شده هیکل تراش از ترس اینکه بسیار شکنند نیاید آنرا بسیار پیش نبرده اسپها یوغ کرده نشده بالای آنها زین زده شده است که وضعیت آنها دلالت بر خصلت سرکشانه آنها می کند. زین از چوکات چوبی که با چرم اشکال مربع دارتر هین یافته ترکیب گردیده و دارای قالیچه بوده که اشکال کننده های چارگنجه در کنار آن منقش گردیده. در طرف راست اسپ سلسله مرواریدها است و در طرف چپ آن جوارهاست خورد مستطیل اشکال که با دانه های الهامس مرصع است می رسد. زین ذریعه يك تنگ خیلی قشنگ که از تحت تنگ آن عبور کرده قائم گردیده و بواسطه سینه بند وزین بند خوب تحکیم یافته افسار بشکل ریسمان نبوده بلکه بصورت يك تکه بوده که از دسته موی های اسپ مرکب و مزین می باشد. بال اسپ به بسیار خوبی کورپه و شانه گردیده این ساغری اسپها بصورت برجسته نشان داده شده که يك قسم موضع نشست را که بشکل پشمین است نمایان می دهد ولی مقصد آن مشکل است که توضیح داده شود. شاید صورت عجیب کالسکه رب النوع آفتابی را نشان می دهد.

چون تا اینجایان تشریحات مانا درجه مکمل گردیده پس توجه خود را معطوف نمودیم تا راجع به مواد آثار عتیقه خود مختصری بیان کنیم. قبلاً ذکر کردیم که لباس رب النوع و صاحبان از يك قسم مشهور است مجسمه های نیم برجسته تقی بوستان مثل سه پادشاه ساسانی هارا که عبارت شاپور دوم (۳۰۹ - ۳۷۹ بعد از میلاد) وارد شیردوم (۳۷۹ - ۳۸۳ بعد از میلاد) شاپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ بعد از میلاد) باشد در لباس سیکه قطع آن متشابه یکدیگر است ملبس

گردیده اند تجسم می دهد - شاپوردوم و شاپور سوم بیک بنا پهلو به پهلو نشان داده شده -  
 اردشیر دوم بصورت مجسمه نیم برجسته به معیت ارمز ( که حیثیت و مرتبه او را قبول کرده )  
 رب النوع مشهور ( Mithra ) معلوم میشود - راجع به طرز لباس بیکه پرو فیسر هرز  
 فیلد نشان داده از قرن سوم زیاده تر دوام نکرده - یک لباس دراز تا به زانو ها رسیده  
 بعد ازان به سمت راست و چپ طوری گردانیده شده که یک دامن گرد تشکیل گردیده -  
 بقرار نظر به رونیسور مذکور نوعیت لباس آن طرز عصر ساسانی دوم را هویدای سازد ولی قرار  
 فکر من گمان نمیکند که قبای دراز بطرف راست و چپ برداشته نشده باشد . اگر ما بان  
 قسمت آثار تاریخی که مشاهده آن به نسبت یک مجسمه نیم برجسته آسانتر است توجه  
 خود را فقط سازیم معاینه خواهیم نمود که همه تفصیلات راجع به لباس به ما را به این  
 نتیجه دلالت میکند که قبای یک طریقه عجیب ولی خیلی مفید برش شده و سواران در  
 حرکت چنان مستریج میباشند و شاید که اشخاص بیادمان در حرکت خود آزاد باشند بیقین پیوسته  
 که استعمال همان قسم لباس در عصر حکومت شاپور دوم وارد شیر دوم و شاپور سوم  
 محدود بوده قبلاً تذکار یافت که در آستین قبای که در پادشاه پوشیده اند رشته های  
 مروارید دوخته شده پادشاهان نیز خود را به زیور متحلی می ساختند حمایل مروارید  
 و رشته موشج با جواهر بالای کمر علاوه از کمر بند می بستند رب النوع خیرخانه بغیر از  
 کمر بند دیگر چیزی ندارد ازین سبب های که با جواهر مزین است بسیار پایاتر رسیده ولی  
 اصول تزیینات بهمان حالت اولیه باقیبمانده - نمونه خوبی که با آثار تاریخی ما شایان مقابله  
 باشد عبارت از نمونه ایست بواسطه موزیم هرمتیج لینین گراد تهیه شده نمونه مذکور  
 تمثال صنعت جوهر کاری عصر ساسانی ها است که نزدیک قرص لقرئی منظره یک شکار





فأرخ التصيلان دسه موكب طلي با هيلت تعليبه متعلق شها رة ٧ سال ٦ - آينه

کتاب و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دکتر جمال جباری



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

به بسیار نفاست تر سیم گردیده . شخص شاه شمشیر خود را بر يك پلنگ می خلاند  
 شاید غیر از شاپور سوم ( ۲۸۳ - ۳۸۸ بعد از میلاد ) کسی دیگر نباشد . پادشاه چنان  
 قبای گون مانندی در بر می کرد که بسیار مهارت کنار قسمت مدور سفلی لباس مذکور  
 از رشته های مروارید تزئین یافته بود و نیز همان قسم زینت کاری بر کنار های آستین  
 و حصه وسطی پاپها بکار رفته حتی بر حصه مابینی جراب کشیکه ساق را تا قسمت اخیران  
 پوشانده تزئینات مروارید بصرف رسیده در یعه دیگر مقابله که تا حال کمتر توجه ما را  
 جلب کرد بوده عبارت از پوشاك سراسر است که باید در ساحه مقابله قرار داده شود . تزئینات  
 ساده که شاپور سوم در سرپوش خود بکار می برد اورا از اسلاف و اخلاف امتیاز می بخشید  
 سرپوش مذکور بصورت يك تاج همواری ساخته شده در آن قطعات گل کاری تزئین  
 یافته بود . پر و فیسور هرز فیلد يك نقشه مختصر تاج را در کتاب خود ترسیم نموده  
 که در آن گلها با پنچ گلبرگ های آن که در تحت يك کمان داخل شده معلوم می شود . تاج  
 رب النوع خیر خانه نیز دارای گل و پنچ گلبرگ است هر دو تاج ( تاج  
 رب النوع و تاج پادشاه ) نه تنها از روی زینت با هم مشابه اند بلکه در شکل هم تناسب نزدیک دارند  
 محض تاج رب النوع به نسبت تاج پادشاه خورد تر است .

چون در ضمن مقابله لباس و پوشاك سر تفصیلات مزید برای ما کشف شد پس  
 ما را وادار می سازد که راجع به تاریخ تقریبی آن مختصری ذکر کنیم . چون شکل  
 دامن قبا مسلسل صرف در زمان حکومت شاپور دوم و اردشیر دوم و شاپور سوم به آن وضعیت  
 بوده پس ما تا ریخ آنرا بین ۳۰۹ و ۳۸۹ بعد از میلاد معین کرده می توانیم و برای ذوق  
 تاریخی ما خیلی مساعدت می کند که مسکوکات شاپور دوم و اخلافش مخصوصاً



در کابل خیلی زیاد است چنانچه بخاطر ما است که مسکوکات نقره در اثنای  
خفربات تپهٔ مرغجان (۲ کیلو متر بشرق کابل) بواسطهٔ موسیو کرل کشیده شده بود  
با ستشای شمال شاپور دوم (۳۳۸ عد د) وارد شیردوم (۲۴ عد د) و شاپور  
سوم (۱۱ عد د) دیگر چیزی دستیاب نگریده.

هر سه حکومت مذکور زمان کمی قبل از حملهٔ تباہکارانه وایت هنز (شروع قرن  
پنجم مد از میلاد) واقع شده البته مجسمه های اثار تاریخی ما ازان واقعه یقیناً  
جلوتر بوده.



ژوبشگاه علوم انسانی و تربیتی

